

آزای وحدت رویه دیوان عالی کشور



شماره ۲۱۴۸ - هـ ۱۳۸۰/۲/۲۹
پرونده وحدت رویه ردیف ۱/۸۰ هیأت
عمومی دیوان عالی کشور
باسمه تعالی

حضرت آیت‌الله محمدی گیلانی ریاست
محترم دیوان عالی کشور
سلام علیکم؛

احتراماً، باستحضار می‌رساند اداره حقوقی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با ارسال دو دادنامه از دادگاههای تجدیدنظر استان گلستان و تهران اعلام داشته چون شعبات مذکور در مورد پرداخت هزینه دادرسی اختلاف نظر دارند درخواست صدور رأی

وحدت رویه باستناد قانون ۷ تیرماه ۱۳۲۸ را نموده و چنین توضیح داده است:
مستنداً به مواد (۱۰ و ۱۱) قانون پولی و بانکی کشور بانک مرکزی متکفل انجام اموری از قبیل مقررات ارزی و اجرای سیاست پولی و بانکی و اعتباری براساس سیاست کلی کشور و تنظیم مقررات مربوط به ورود و خروج پول و انتشار اسکناس و نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری بوده و مستنداً به ماده (۱۲) همان قانون بانکدار دولت بوده و برخلاف سایر بانکها که اعمال تجاری می‌نماید متصدی اعمال حاکمیت در چهارچوب سیاستهای دولت است و وجوه

حاصل از هر جهت را به خزانه داری کل واریز می‌نماید و شایان ذکر است که به موجب بند ۵ ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی و نظریه شماره ۵۴۱۵ - ۱۳۶۱/۹/۱۴ شورای محترم نگهبان سرمایه بانک مرکزی ملک دولت بوده (پیوست شماره یک) و به موجب تصویبنامه مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۹ هیأت محترم دولت رئیس کل بانک مرکزی همطراز وزیر است و جهت جلوگیری از تضییع وقت از ذکر مسائل دیگر خودداری می‌شود و اضافه نموده‌اند چون بانک مرکزی دولت است نمی‌بایست هزینه دادرسی بپردازد ولی متأسفانه در این خصوص رویه واحدی وجود

ندارد و این بانک از طرح بسیاری از مسائل و دعاوی ارزی بازمی ماند و بدین ترتیب لطمات جبران ناپذیری از سوی متخلفین ارزی به ذخایر ارزی کشور وارد می گردد. بنا به مراتب پرونده های مربوطه مطالبه و خلاصه آن معروض و سپس بشرح ذیل اظهار نظر می نماید.

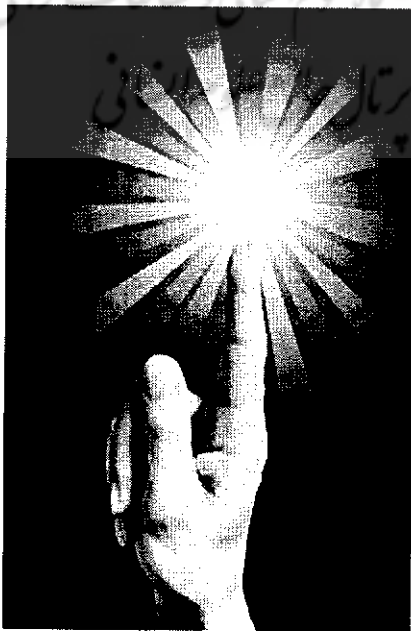
۱- در پرونده ۶۹۴ شعبه نهم دادگاه عمومی گرگان سرپرست بانک ملی استان گلستان به نمایندگی از بانک مرکزی شکایتی علیه آقای محمدحسین قاسمی مدیر شرکت نسیم گرگان بخواسته ایفای تعهدات ارزی و جریمه تأخیر به دادگاه های عمومی گرگان تقدیم می نماید. آقای دادرس شعبه نهم دادگاه عمومی گلستان به موجب دادنامه صادره با احراز بزهکاری متهم با استناد ماده (۷) ناظر به مواد (۳ و ۵ و ۶) قانون راجع به معاملات ارزی متهم را به پرداخت جزای نقدی معادل پنج میلیون ریال در حق دولت محکوم می نماید. سپس بانک ملی ایران از دادنامه مذکور به جهت اینکه دادگاه حکم به استرداد عین ارز موضوع تعهد صادر نکرده است تجدیدنظر خواهی نموده و دادرسان شعبه چهارم تجدید نظر استان گلستان با این استدلال که بانک هزینه دادرسی را پرداخته قرار دادخواست پژوهشی را صادر نموده است.

۲- در پرونده ۲۸- ۱۹۰/۷۴ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران، بانک مرکزی شکایتی علیه آقای حسین مسکینی شیرازی مطرح نموده و توضیح داده است مشارالیه برطبق پیمانهای ارزی سال ۱۳۶۸ سیزده فقره پیمان ارزی با بانک امضا کرده و متعهد شده پس از انقضای مدت مقرر نسبت به واریز ارزهای مندرج در پیمانهای ارزی اقدام نماید با سپری شدن مدت شش سال به تعهد خود عمل نکرده دادرس شعبه ۲۸ دادگاه عمومی تهران پس از رسیدگی به لحاظ عدم وقوع بزه حکم برائت متهم را صادر نموده است و اداره

حقوقی بانک مرکزی تجدید نظر خواهی کرده و دادرسان شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران بدون مطالبه هزینه دادرسی پس از بررسی با استناد مواد (۵ و ۷) از قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی مصوب سال ۱۳۳۶ با نقض دادنامه تجدیدنظر خوانده را به پرداخت مبلغ ۴۴۷۶۲ دلار اصل مبلغ مورد تعهد و معادل ریالی پنجاه درصد آن به عنوان جزای نقدی به نفع خزانه دولت محکوم می نماید. بنا به مراتب بشرح آتی مبادرت به اظهار نظر می نماید.

نظریه: همان طور که ملاحظه می فرمایید در دو پرونده فوق الذکر بین شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان و شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در خصوص لزوم پرداخت هزینه دادرسی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اختلاف نظر وجود دارد، لذا با استناد ماده (۲۷۰) قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۷۹ تقاضا دارد دستور فرمایید پرونده را جهت اتخاذ رویه واحد به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارسال فرمایند.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری



به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۸۰/۱/۲۸ جلسه وحدت رویه قضائی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان، راسا و مستشاران و اعضا، معاون شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «نظر به اینکه مستند معافیت دولت از تأدیه هزینه دادرسی قسمت ذیل ماده (۶۹۰) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ بوده است و از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صراحت صدر ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی مدنی، (مصوب سال ۱۳۱۸) و الحاقات و اصلاحات آن و... ملغی گردیده است و هر چند در ذیل ماده (۵۲۹) آمده است و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می گردد. (اما ظاهر در این است که قید اخیر یعنی در موارد مغایر) فقط ناظر به عبارت سایر قوانین و مقررات می باشد و نتیجتاً رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان موجه به نظر می رسد.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند.

رأی شماره: ۶۵۲- (۱۳۸۰/۱/۲۸)

باسمه تعالی

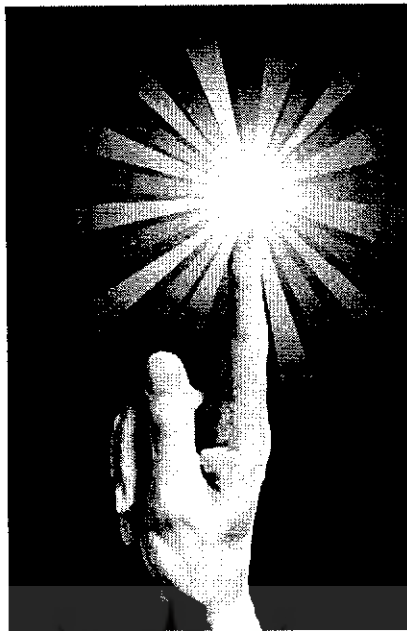
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره "۳" ماده (۲۸) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، متقاضی تجدیدنظر از رأی کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و چون برطبق ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب، ماده (۶۹۰) قانون آیین دادرسی مدنی، در مورد

مأمورین ذی ربط قرار داده شده است که در صورت استنکاف وی از پرداخت جریمه به محاکم قضائی معرفی می شود، فلذا اعمال تخفیف اختصاص به مجازات حبس دارد و شامل ضبط کالای قاچاق و اخذ دو برابر بهای مال مورد قاچاق و یا دو برابر درآمد مقرر از برای دولت نخواهد بود. نظر به مراتب مذکور حکم دادگاه در قسمت اعمال تخفیف از پرداخت جریمه متعلقه به لحاظ مغایرت آن با مفاد مواد قانونی فوق الذکر نقض می شود.

رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه انقلاب اسلامی بوشهر و در صورت نبودن شعبه دیگر در استان مزبور به دادگاه انقلاب اسلامی شیراز ارجاع می گردد.

۲ - به حکایت پرونده ۴۰۲۱/۳۴/۹ شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور آقای سید علی صالح زاده و سه نفر دیگر به اتهام ارتکاب قاچاق ۶۳۰ حلقه نوار خام ویدئویی مورد پیگرد کیفری دادرسی انقلاب اسلامی یزد واقع شده اند و اداره گمرک یزد مبلغ ۱۰/۷۲۹/۵۰۰ ریال بابت جریمه مطالبه کرده است. پرونده پس از تنظیم کیفرخواست به دادگاه انقلاب اسلامی یزد ارسال گردیده و آقای صالح زاده که یکصد و بیست حلقه نوار داشته در دفاع از اتهام خود اظهار نموده که دبیر زبان انگلیسی در اصفهان می باشد و نوارها را برای تکثیر و تدریس زبان انگلیسی خریده و سابقه محکومیت کیفری ندارد و اجازه نشین است و از طبقه مستضعف می باشد و علم به قاچاق بودن نوارها نداشته است. دادگاه انقلاب اسلامی یزد پس از رسیدگی ارتکاب جرم را ثابت دانسته و به استناد ماده اول قانون مجازات مرتکبین قاچاق و ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی علاوه بر ضبط کالا برای هر یک از متهمین مجازات کیفری متناسب تعیین کرده و آقای صالح زاده را به پرداخت ۱۵۰/۰۰۰ ریال جریمه و یک ماه حبس تعلیقی محکوم نموده است. محکوم علیه (آقای صالح زاده) از این حکم



نموده است. دادگاه پس از رسیدگی براساس مدارک پرونده جرم ارتكابی متهم را ثابت دانسته و با استناد مادتين (۱ و ۶) قانون مجازات مرتکبین قاچاق با رعایت تبصره، ماده (۱۷) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۸ و رعایت ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی علاوه بر ضبط کالای قاچاق مکشوفه به نفع دولت، حکم بر محکومیت متهم بر پرداخت یک میلیون ریال جریمه متعلقه (با رعایت تخفیف) و مبلغ ۷۱/۰۰۰ ریال جزای نقدی بدل از حبس صادر نموده است. محکوم علیه از این حکم تجدیدنظر خواسته و شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور پس از رسیدگی رأی شماره ۵۳۰ - ۱۱/۲۶/۱۱/۷۱/۱ شرح صادر نموده است.

.... نظر به این که طبق مفاد مواد (۱ و ۶ و ۱۰) قانون مجازات مرتکبین قاچاق فقط مجازات حبس در مورد مرتکبین قاچاق امر کیفری تلقی گردیده است و ضبط مال مورد قاچاق و همچنین وصول جزای نقدی از مرتکبین قاچاق یک امر محکومتی تلقی گردیده که انجام آن قبل از ارسال پرونده از حدود اختیارات مأمورین ادارات گمرکی و سایر

معافیت دولت از پرداخت هزینه دادرسی نسخ شده است، علی هذا بانک ملی ایران در تعقیب شکایت کیفری موظف به تأدیه هزینه دادرسی می باشد و رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گرگان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آرای اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور ابرام می گردد.

این رأی وفق ماده (۲۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می باشد.

رأی شماره ۱۶۵۸ - ۲۷/۱۰/۱۳۷۲ پرونده وحدت رویه ردیف ۳۱/۷۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ریاست محترم دیوان عالی کشور
 احتراماً به استحضار می رساند: شعب ۳۲ و ۳۴ دیوان عالی کشور در رسیدگی به پرونده های کیفری مرتکبین قاچاق در استنباط از مواد (۱ و ۶ و ۱۰) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ و اصلاحات مربوطه و ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی در مورد تخفیف در جریمه متعلقه رویه های مختلف اتخاذ نموده اند که مستلزم رسیدگی هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای ایجاد رویه واحد بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۷ تیرماه ۱۳۲۸ می باشد - پرونده های مزبور و آراء مربوطه به این شرح است.

۱ - به حکایت پرونده ۳۸۶۲/۳۲/۱۸ شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور آقای احمد مبرهنی به اتهام حمل یکصد و بیست باکس سیگار خارجی قاچاق بر اثر شکایت اداره کل دخانیات بوشهر مورد تعقیب کیفری دادرسی انقلاب اسلامی بوشهر واقع شده و پرونده پس از تنظیم کیفرخواست به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال و اداره کل دخانیات مبلغ ۱/۴۷۸/۰۰۰ ریال به عنوان جریمه مطالبه

تجدیدنظر خواسته و نوشته است مدت دو سال در آموزش و پرورش اصفهان خدمت آموزشی دارد و مستاجر می باشد و پس اندازی ندارد و هنوز اقساط وام ده ساله جهت هزینه ازدواج خود را بدهکار است و به حکم دادگاه اعتراض دارد شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر به این پرونده رسیدگی نموده و رأی شماره ۳۴/۳۳ - ۳۴/۳/۳۰ را به این شرح صادر نموده است.

چون تجدیدنظر خواه در همه مراحل اظهار داشته که نمی دانسته این کالا قاچاق است و برای استفاده مشروع خود و دوستانش تهیه نموده که با توجه به شغل او ظاهراً مقرون به صحت است به علاوه محتمل است واردکننده اصلی مقررات گمرکی را رعایت کرده باشد و شبهه مصداقی قاچاق می باشد و با قطع نظر از آن به لحاظ استضعاف و این که مستاجر است استحقاق تخفیف بیشتر و لااقل تخفیف در کل جریمه نقدی را داشته است که رعایت نشده، لذا با تجدید نظر موافقت می گردد و ضمن نقض حکم صادره، پرونده به دادگاه هم عرض ارسال می شود.

نظریه: ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحی آن مقرر داشته که مرتکبین قاچاق علاوه بر رد مال و پرداخت دو برابر درآمدی که برای دولت مقرر بوده (در مورد اموال موضوع درآمد دولت) و حبس تا دو سال محکوم می شوند. در ماده (۶) این قانون هم به ادارات مأمور وصول درآمد دولت اختیار داده شده که فقط برای یک بار از تعقیب کیفری مباشر یا شرکای جرم قاچاق صرف نظر کرده و با وصول جزای نقدی و ضبط مال و در صورت از بین رفتن مال با وصول بهای آن اکتفا نمایند و پرداخت جزای نقدی آثار جزایی نداشته و مشمول مقررات تکرار یا تعدد جرم نخواهد بود در ماده (۱۰) قانون مجازات مرتکبین قاچاق هم تصریح شده که ترتیب وصول جزای نقدی و بهای مال

از بین رفته و احتساب بازداشت ما به ازاء آن به نحوی است که در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مقرر است شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور جریمه متعلقه یا جزای نقدی را که همان دو برابر درآمد قانونی دولت می باشد قابل تخفیف دانسته و از این که دادگاه بایستی با توجه به خصوصیات متهم تخفیف بیشتری برای او قائل شده باشد حکم دادگاه انقلاب اسلامی را نقض نموده لیکن شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور اصولاً جریمه متعلقه یا جزای نقدی را در جرم قاچاق قابل تخفیف ندانسته و تخفیف در آن را مخالف قانون تشخیص و حکم دادگاه انقلاب اسلامی را از این لحاظ نقض کرده است، بنابراین اختلاف رویه دو شعبه در مورد تخفیف دو برابر درآمد دولت می باشد که نحوه وصول آن در قانون معین است.

معاون اول قضائی دیوان عالی کشور - فتحا...یاوری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۲/۱۰/۱۴ جلسه وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله مرتضی مقتدائی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان: رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور، مبنی بر:

«ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مقرر داشته، مرتکبین قاچاق علاوه بر رد مال به حبس جنبه ای تا دو سال و پرداخت دو برابر درآمدی که برای دولت مقرر بوده، باید محکوم شوند و ماده (۶) این قانون به ادارات مأمور وصول درآمد دولت اختیار داده نسبت به اینگونه موارد فقط یک بار از تعقیب کیفری مباشر یا شرکای جرم صرف نظر کرده و فقط به

وصول جزای نقدی و ضبط مال اقدام نمایند و از مواد فوق الذکر استفاده می شود که ادارات ذینفع نمی توانند از جزای نقدی مقرر در قانون و ضبط کالای قاچاق صرف نظر نمایند و چنانچه مرتکبین از پرداخت جزای نقدی یا بهای مال از بین رفته است تکفاف نمایند و پرونده در دادگاه مطرح شود، دادگاه مکلف است جزای نقدی خواسته شده و بهای مال از بین رفته را مورد حکم قرار دهد و این قسمت از محکومیت قابل تخفیف نمی باشد، بنابراین فقط مجازات حبس مذکور در ماده قابل تخفیف می باشد، لذا رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر شده موجه بوده و مورد تأیید است» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند.

رأی شماره ۵۸۷ - ۱۳۷۲/۱۰/۱۴
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳ و تبصره های آن و ماده (۶) قانون مزبور و تبصره مربوطه این است که رد عین مال موضوع قاچاق و پرداخت دو برابر درآمدی که طبق قانون برای دولت مقرر گردیده در مجموع، محکوم به مالی را علیه مرتکبین قاچاق تشکیل می دهد و نحوه وصول آن که در ماده (۱۰) قانون مجازات مرتکبین قاچاق، معین شده مانند نحوه اجرای سایر محکومیت های مالی می باشد و شامل تخفیف نمی شود لیکن مجازات مرتکبین قاچاق تا دو سال حبس ممکن است مشمول تخفیف و ارفاق و یا معافیت مرتکب گردد.

بنابراین رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی برطبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.